

بازیگران تاریخ

چرا رئیس نظمیه رضاشاه از ایران گریخت؟

آی‌رم و ترجیح فرار بر قرار!



یکی از رخسادهای خواندنی تاریخ معاصر ایران، ماجرای فرار سرلشکر آیرم خان، رئیس نظمیه رضاخان از ایران است. سرلشکر محمد حسین آیرم در سال ۱۲۶۱ هـ.ش متولد شد. او پس از تحصیلات مقدماتی، به روسیه رفت و در مدرسه نظام آن کشور، آموزش دید. او در سال ۱۳۱۰، به جای سرتیپ فضل... زاهدی، به ریاست شهربانی که در آن روز گار، نظمیه نام داشت، منصوب شد و مدتی بعد، واحد پلیس سیاسی (اداره اطلاعات شهربانی) را دایر کرد. آیرم حدود پنج سال، رئیس کل تشکیلات نظمیه ایران بود. او در ۱۳۱۲، درجه سرلشکری گرفت و قدرت فوق العاده‌ای به دست آورد؛ به ویژه پس از عزل، تعقیب، حبس و مرگ تیمورتاش و سردار اسعد بختیاری که اولی وزیر دربار و دومی وزیر جنگ بود، قدرت آیرم افزایش یافت؛ به طوری که نخست‌وزیر و رئیس مجلس، از او دستور می گرفتند. با این حال، آیرم می دانست که رضاخان، ظهور و بروز افراد قدرتمند را در اطراف خود، بر نمی تابد. به همین دلیل، می دانست به زودی سراغ او هم خواهد آمد و سرنوشته بهتر از تیمورتاش، سردار اسعد، اسدی متولی باشی و نصرت الدوله نخواهد داشت. با چنین رویکردی، آیرم نقشه گریز از کشور را کشید و در نیمه دوم سال ۱۳۱۴، دست به تمارض زد و مدعی شد که سخت بیمار است و حتی وانمود می کرد قدرت تکلم ندارد و به همین دلیل، باید برای معالجه به اروپا برود. او برای جلب رضایت و موافقت رضاخان، به وی گفت که قصد دارد هدایای فراوانی با خود به سوئیس ببرد و آن ها را به ولیعهد (محمد رضا پهلوی که در آن کشور ظاهرأ سرگرم تحصیل بود) تقدیم کند. آیرم با این تمهیدات، موفق شد از رضاخان برای خروج از کشور کسب اجازه کند و در ۲۹ آبان ۱۳۱۴ از ایران خارج شود. او دیگر به ایران بازنگشت و در ۱۱ فور دی ۱۳۲۷، پس از عمل جراحی در یکی از بیمارستان های آلمان، در ۶۵ سالگی در گذشت.

جواد نوائیان رودسری - نادر شاه را ناپلئون شرقی لقب داده اند؛ هر چند که به عقیده نگارنده این سطور، باید ناپلئون را نادر شاه غرب بنامیم. نادر در امور لشکر کشی، نابغه دوران بود و ترندهای بی مانندش، از تهدیدهای جدی، فرصت های طلایی می ساخت و پیروزی را برای ایرانیان به ارمغان می آورد. ذهن خلاق جهانگشای ایرانی، آن قدر دقیق کار می کرد که دشمنان، حتی هنگامی که به شماره، چند برابر سپاه ایران بودند، از قدرت او و سربازانش بیم داشتند. نمونه معروف پیروزی های وی را که با نبوغ و خلافت نظامی به دست آمد، می توان در نبرد معروف کر نال و تصرف شهر دهلی یافت؛ ماجرای که داستان آن را بارها شنیده اید و یک بار در همین صفحه، به طور مفصل به آن پرداختیم.

ویژگی های سردار نامی

نادر در طراحی نقشه هایش دقیق و در اجرای آن ها، سریع عمل می کرد؛ مرقب سربازانش بود و آن ها را بی جهت وارد جدالی خطرناک نمی کرد. کم پیش می آمد که او در نبردی غافلگیر شود. نادر شاه، دشمن را، حتی اگر در حقیر بودنش تردیدی نبود، دست کم نمی گرفت؛ حافظه ای عجیب داشت، آن گونه که بسیاری از سربازانش را به نام می شناخت؛ در خوردن و آشامیدن افرات نمی کرد و گاه پیش می آمد که برای رفع گرسنگی به چند نخود بوداده که در جیب داشت، اکتفا می کرد. جمیع این صفات، از او سرداری قابل اعتماد ساخته بود که سربازانش، فدایی او بودند و همه دستورهایش را موبه مواجرامی کردند. در نوشتار امروز، می خواهیم به یکی از نقشه های نظامی بی نقص نادر شاه بپردازیم؛ نقشه ای که باعث شد شکست حتمی ایرانیان به پیروزی بدل شود؛ نقشه ای که شاید کمتر از آن شنیده باشید. با ما همراه شوید.

ضرب شست ایرانیان به عثمانی ها

تخاصم مرزی میان ایران و عثمانی، از دوره صفویه آغاز شد و به انعقاد چند قرارداد، مانند

امپراتوری عثمانی، مغلوب گوسفندان نادر شاه!

نابغه نظامی خطه خراسان، چگونه مقتدرترین دشمن ایران را به زانو درآورد؟



صلح آماسیه و اسلامبول انجامید؛ اما این قراردادها پایدار نماند. عثمانی ها همزمان با ضعف و اضمحلال صفویه، به بهانه تقابل با پتر اول، تزار روسیه که به سواحل جنوبی دریای خزر و ایالت آبادآذر بایجان چشم داشت، وارد خاک ایران شدند و تا حدود همدان را اشغال کردند. این در حالی بود که با هجوم افغان ها به اصفهان و خاتمه حکومت دودمان صفوی، عملاً هیچ مدافعی بر سر راه اشغالگران نبود.

در چنین شرایطی، نادر قلی افشار در صحنه سیاسی و نظامی ایران ظاهر شد و دشمنان را به پشت مرزهای عهد صفویه راند. هر چند که نادر شاه ترجیح می داد به جای مخاصمه با عثمانی ها، از طریق دیپلماسی مشکل را بر طرف کند و بیهوده با همسایه شرقی که هزاران کیلومتر مرز مشترک زمینی با ایران داشت، درگیر نشود؛ اما وقتی شرایط ایجاب می کرد، از رودرویی با عثمانی ها ابایی نداشت. روز ۲۹ خرداد ماه سال ۱۱۱۴، نیروی ۱۴ هزار نفره نادر شاه در مراد تپه، جایی در شمال رود ارس، با نیروی ۸۰ هزار نفر عثمانی ها به فرماندهی کوپرو لو پاشا، روبه رو شد. نادر با تاکتیک های جنگی خود، توپخانه قدرتمند عثمانی را از کار انداخت و چابک سواران ایرانی، ضرب شستی سنگین

یافت؟ اما نادر، مرد لحظات سخت بود. او ابتدا دستور داد که حدود هزار نفر از سپاهیان، شبانه و در دسته های صد نفره، کمی عقب تر بروند و صبح روز بعد، با هیاهو به لشکر ملحق شوند. این اقدام می توانست تا مدتی دشمن را سرگرم کند؛ اما برای ایجاد توهم، به ابزار قوی تری نیاز بود؛ چرا که عثمانی ها به این شیوه و تاکتیک آشنا بودند.

تاکتیک گوسفندی!

در یکی از روزهای محاصره، چشم نادر شاه به بره ای افتاد که سینه مادرش را در دهان داشت و شیر می خورد؛ ناگاه فکری مانند برق از ذهنش عبور کرد. فوراً دستور داد بره ها را از گوسفندان سپاه که بیش از چند هزار رأس بودند و در اردوگاه نگهداری می شدند، جدا کنند. سربازان به سرعت این طرح را عملی کردند. جدایی میان بره ها و مادرانشان، یک روز طول کشید و سر و صدای آن ها به واسطه گرسنگی بلند شد. همزمان نادر دستور داد که سپاه آرایش حمله به خود بگیرد. دیده بانان دشمن وضعیت را گزارش دادند و یگان های پیشرو اول برای درگیری با ایرانیان مهیا شدند. درست هنگامی که دو طرف در آستانه درگیری قرار گرفته بودند، نادر شاه فرمان داد که گوسفندان را به پشت نیروها برانند و بره ها را رها کنند تا به مادرانشان بپیوندند. با این دستور، صد ها بره با سر و صدای فراوان، به دنبال مادرشان می گشتند و هیاهویی به پا شد. عثمانی ها با دیدن حجم گرد و غبار و سر و صدای ناشی از جابه جایی گسترده گوسفندان، گمان کردند که نیروهای تازه نفس فراوانی به جمع سپاه نادر شاه اضافه شده است و همین مسئله، باعث شد در یورش اولیه سپاه ایران، عثمانی ها تا عمق زیادی عقب بنشینند و راه برای عبور لشکر نادر شاه باز شود. به این ترتیب، نادر توانست با سرعت عمل بالا، از محاصره بگریزد و پیشقراولان عثمانی را از دم تیغ بگذراند. ایرانیان بدون تلفات قابل توجه حلقه محاصره را شکافتند و با این شیوه، فتحی دیگر رقم خورد؛ اما این بار با تاکتیک گوسفندی!

تاریخ معاصر

روایتی از ناپایداری امنیت در دوره قاجار

نظمیه بدون نظم!



نوشته اند که سال ها پیش، ناصرالدین شاه در سفرهای پر حاشیه اش به فرنگستان، افزون بر زنان خوش سیمای غربی، متوجه نظام کنترل اجتماعی کارآمدی شد که در شهرهای اروپایی برقرار بود و به نظرش خوشایند و جالب رسید. به گزارش سایت تاریخ ایرانی، او نتوانست در برابر نظام پلیسی غربی مقاومت کند و همین علاقه و کشش، زمینه ساز تأسیس اداره موسوم به نظمیه در پایتخت حکومت قاجار شد. این سیستم نظارت شهری و نظمیه نوپدید، در واقع به مهم ترین و ملموس ترین دستاوردهای شاهیه فرنگ، در حافظه مردمی تبدیل شد که سال ها از نبود امنیت، رنج می بردند. داده های تاریخی هم، حکایت از موفقیت نسبی نظمیه در تأمین امنیت تهران آن روزگار دارد؛ به طوری که شاه وقت نیز، در تأیید این موفقیت، لقب فاخر نظم الملک و منصب امیر تومانی با درآمدی در خور و همچنین، این رباعی را به رئیس اتریشی نظمیه تهران اهدا کرد: «اندیشه کنند خیل زندان ز پلیس / یک جو نرود به خرج ایشان تلیس / در کنده کنت فرت خواهد فرسود / در چرخ اگر خطا نماید بر جیس!» رئیس نظمیه تا مدت ها مسئولیت برقراری امنیت پایتخت را بر عهده داشت، اما بر اثر سخن چینی و دودوزه بازی برخی مخالفانش، جایگاه خود را از دست داد و دست آخر هم، ناامید و خسته، در تهران در گذشت و دستگاه نظمیه قجری، مزین به فسادای شد که در دربار نیز ساری و جاری بود! البته می توان در دل فساد دستگاه نظمیه قجری، بحران های اجتماعی و فساد اخلاقی آن دوران را هم تماشا کرد؛ روحیه ای خودخواهانه و منفع طلبانه که حتی شیخ ترین لادینار برای منتسبان به دستگاه نظمیه، مشروع و لازم الاجرا نشان می داد.

گل هایی که بهار را جاودانه می کنند

با رویکرد قرآنی در محیطی مطلوب و آرام زیر نظر مربیان و معلمان مجرب و دوره دیده

پیش دبستانی و دبستان شهید رضا دهسنگی



محمدرضا تقی حسین زاده



محمد عامل مقدم



امیر حسین یعقوبی



سید سینا علیرزاده باغ شمالی



مهیار روحبخش



محمد امین دهقانی



امیر علی ویلانی



ایلیا محمدی



امیر رضا پور خاتونی



امیر طاهای خاوری



طاها اسکوزاده



سینا اسکوزاده



امیر علی احمدیان



عرفان حیدری



محمد علی عطایی



یوسف محبی



بنیامین خان منش



شهاب رضوی



پارسامسعودیان



حسین احمدی خیاب



امیر حسین یعقوبی



محمد صدر ایوسفی



احمد رضا جوئیخت



پرهام شاه پسند



محمد سالار میبدی نیک



اشکان ثابت پور



سید ستار طاهریان



سید امیر محمد حیدری



پرهام بنارزاده



محمد عرفان فرهادی



مهدی اصغر زاده



سید امیر حسین موسوی



حسام کافوری



ابوالفضل ذوقی



امیر شهریار سامعی



محمد طه یزدیان



امیر عباسی زمانی



مهدیار صنمی مسگران



آریاهمتی



رضا خدایی



محمد صادق داوری



محمد سبحان عبیدی



مصطفی رضایی



پوریامحمدی پور



یوسف نجاریان



امیر محمد تیموری مقدم



سید مهدیار موسی صدر



پرهام غلامی



محمد جواد تاج صبری



ابوالفضل حمتکش



سید محمد متین موسوی



علیرضا طایفانیایی



پارسا جوان



طاها عطاران



محمد طاها ترک زاده



پویان اکبریان



محمد مهدی باقی زاده حکاک



حمیدرضا نظام دوست



محمد مهدی فرید بازک



محمد رضا نظام خواه



علیرضا توکلیان



محمد پارسا شاه پسند



محمد عارف فرهادی



محمد طاها خاکباز



نیما قربانی



علیرضا میرادیان



محمد شاسباری



سید محمد طاها قادمکاهی



محمد امین وفادوست



سید محمد رضا رئیس الساداتی



امیر سبحان نصری



کیارش کدخدازاده



سید مهدی موسوی



امیر علی غفاریان



پارسا ایزدی



محمد رضا گل کار



دانیال طبیبی



امیر حسین زمامی



امیر حسین کفاش مقدم



حسین امیر نکویی



ماهان اصغری

کارگاه های آموزشی خانواده، مهارت زندگی، نقاشی و سفالگری

مجهز به سیستم هوشمند و سالن ورزشی و برگزاری اردوهای تفریحی و شاد

تلفن: ۳۷۲۸۱۰۹۳ - ۳۷۲۸۱۱۲۳

کلاهدوز ۲۳ نبش تورج ۷